

The Construction of the "Constitutive Other" in Linguistic Identity Discourse: An Analysis of Persian Language Preservation Strategies in the Statements of Ayatollah Khamenei «Based on the Theory of Laclau and Mouffe»

Formatted: Font: Bold, Complex Script Font: Bold

Formatted: Font: Bold, Complex Script Font: Bold

The Persian language, as a cultural heritage and a pillar of Iran's national and civilizational identity, has always been exposed to numerous challenges and changes over time. In the era of globalization, with the expansion of communication technologies and the increasing influence of foreign languages, serious questions have been raised about the survival and stability of this language. In such circumstances, the role of policymakers and cultural custodians in formulating effective strategies to protect this national capital becomes fundamentally important. Ayatollah Khamenei, as a thought-provoking and trend-setting leader, has established a distinctive and coherent discourse in this area in recent decades by emphasizing the concept of "cultural invasion" and its connection with the issue of language. While identifying the dimensions of the danger, he has presented systematic solutions to counter it; but the main question is what relationship do these solutions have with each other in his discursive framework and how are they organized in a semantic system? The aim of this research is not simply to collect these strategies, but rather to discover the "discursive logic" that governs them; in the sense of how the concept of "cultural invasion" functions as a "constructive otherness" and creates a chain of equivalence between concepts such as identity, independence, and resistance to make "language preservation" an identity-building project. This research, based on the theory of Laclau and Mouffe, attempts to show that the preservation of the Persian language in the leadership discourse is not simply a cultural recommendation, but an ideological act in a hegemonic battle to redefine and consolidate Iranian-Islamic identity.

Formatted: Font: (Default) +Headings CS (Times New Roman), Not Bold, Complex Script Font: +Headings CS (Times New Roman), Not Bold

Formatted: Justified, Left-to-right

Keyword: Linguistic Identity, Cultural Resistance, Strategies for the Preservation and Promotion of the Persian Language, Statements of Ayatollah Khamenei, Theory of Laclau and Mouffe

Formatted: Font: (Default) +Headings CS (Times New Roman), Not Bold, Complex Script Font: +Headings CS (Times New Roman), Not Bold

Formatted: Left-to-right

برساخت «غیریت سازنده» در گفتمان هویت زبانی: تحلیل راهکارهای حفظ زبان فارسی در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای «بر

اساس نظریه «لاکلای و مواف»

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

چکیده:

Commented [HS2]: در قالب یک پاراگراف منسجم نوشته شود:

Commented [H3R2]: در یک پاراگراف نوشته شد.

زبان فارسی به‌عنوان میراثی فرهنگی و ستون هویت ملی و تمدنی ایران، در گذر زمان همواره در معرض چالش‌ها و دگرگونی‌های متعددی قرار داشته است. در عصر جهانی‌شدن، با گسترش فناوری‌های ارتباطی و نفوذ **زبان‌های بیگانه**، پرسش‌هایی جدی **زبان** بقا و استواری این زبان مطرح شده است. در چنین شرایطی، نقش سیاست‌گذاران و متولیان فرهنگی در تدوین راهبردهای مؤثر برای پاسداشت این **سرمایه ملی** اهمیتی بنیادین می‌یابد. **آیت‌الله خامنه‌ای** به‌عنوان رهبری اندیشه‌ورز و جریان‌ساز، طی دهه‌های اخیر با تأکید بر مفهوم «تهاجم فرهنگی» و پیوند آن با **شبکه‌ی زبان**، گفتمانی متمایز و منسجم در این حوزه بنا نهاده‌اند. ایشان ضمن شناسایی ابعاد خطر، راهکارهایی نظام‌مند برای مقابله با آن ارائه کرده‌اند؛ اما پرسش اصلی آن است که این راهکارها در چارچوب گفتمانی ایشان چه نسبتی با یکدیگر دارند و چگونه در نظامی معنایی سازمان می‌یابند؟ هدف این پژوهش صرفاً گردآوری این راهکارها نیست، بلکه کشف «منطق گفتمانی» حاکم بر آن‌هاست؛ به این معنا که چگونه مفهوم «تهاجم فرهنگی» به **شبکه‌ی** «غیریتی سازنده» عمل می‌کند و زنجیره‌ای از هم‌ارزی میان مفاهیمی چون هویت، استقلال و مقاومت پدید می‌آورد تا از «حفظ زبان» پروژه‌ای هویت‌ساز بسازد. این پژوهش **پژوهش نظریه‌ی شبکه‌ی زبان و هویت** می‌کوشد نشان دهد که حفظ زبان فارسی در گفتمان رهبری، نه صرفاً توصیه‌ای فرهنگی، بلکه اقدامی ایدئولوژیک در نبردی هژمونیک برای بازتعریف و تثبیت هویت ایرانی – اسلامی است. **فروزرگان** کنونی، زبان فارسی به‌عنوان یکی از ارکان هویت فرهنگی و تمدنی ایران، با چالش‌های متعددی از جمله جهانی‌شدن، نفوذ رسانه‌های بیگانه و ضعف سیاست‌های زبانی مواجه است. از این رو، واکاوی گفتمان‌های رسمی پیرامون حفظ و گسترش این زبان، ضرورتی علمی و فرهنگی محسوب می‌شود. بر این اساس، پژوهش حاضر با بهره‌گیری از نظریه تحلیل گفتمان «آنتونی و مکرمل» به بررسی و تبیین راهکارهای حفظ و گسترش زبان فارسی در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای می‌پردازد و در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که راهکارهای حفظ و گسترش زبان فارسی در گفتمان رسمی آیت‌الله خامنه‌ای، بر اساس نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه، چگونه تبیین و معنادهی شده‌اند؟

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای، «پاسداری از زبان فارسی» در مرکز شبکه معنایی و به‌عنوان یک «دال مرکزی» قرار دارد که سایر مفاهیمی چون «هویت ایرانی»، «استقلال فرهنگی»، «مقاومت»، «تمدن نوین اسلامی» و «پیشرفت علمی» در قالب یک «زنجیره هم‌ارزی» پیرامون آن متصل‌بندی می‌شوند. در برابر این شبکه معنایی، گفتمان «تهاجم فرهنگی» و «خرب‌زدگی زبانی» به‌عنوان «غیریت سازنده» عمل می‌کند که از طریق تقابل با آن، گفتمان رهبری معنا و انسجام خود را بازتولید می‌نماید. این گفتمان، با تکیه بر ارزش‌های ادبی، هویتی و تمدنی، «زبان فارسی» را از سطح یک میراث تاریخی فراتر برده و آن را به ابزاری فعال برای بازسازی هویت ملی و مقاومت فرهنگی تبدیل می‌کند. در این چارچوب، «زبان» نه تنها وسیله‌ای برای ارتباط، بلکه بنیان شکل‌گیری آینده‌ای مستقل، پویا و تمدن‌ساز برای ایران و جهان فارسی‌زبان تلقی می‌شود.

کلیدواژه: هویت زبانی، مقاومت فرهنگی، راهکارهای حفظ و گسترش زبان فارسی، بیانات **آیت‌الله خامنه‌ای**، **نظریه لاکلا و موفه**.

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Commented [HS4]: رعایت نیم‌فاصله در کل متن

Commented [HS5]: شبکه‌ی معنایی یا شبکه‌ی معنایی

Commented [HS6]: طبق دستورالعمل نگارش مجله و یکسان‌سازی
در کل متن

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

مقدمه:

زبان فارسی به عنوان میراثی فرهنگی و ستون فقرات هویت ملی و تمدنی ایران، همواره در معرض چالش‌ها و تحولات گوناگون بوده است. در عصر حاضر، پدیده‌هایی همچون جهانی‌سازی، گسترش فناوری‌های ارتباطی و نفوذ زبان‌های بیگانه، بقا و صلابت این زبان را با پرسش‌های جدی مواجه ساخته است. در این میان، نقش مسئولین و سیاست‌گذاران در تدوین راهبردهای حفاظت از این سرمایه ملی، از اهمیتی راهبردی برخوردار است. زبان فارسی به عنوان میراثی فرهنگی و ستون فقرات هویت ملی و تمدنی ایران، همواره در معرض چالش‌ها و تحولات گوناگون بوده است. در عصر حاضر، پدیده‌هایی همچون جهانی‌سازی، گسترش فناوری‌های ارتباطی و نفوذ زبان‌های بیگانه، بقا و صلابت این زبان را با پرسش‌های جدی مواجه ساخته است. در این میان، نقش مسئولین و سیاست‌گذاران در تدوین راهبردهای حفاظت از این سرمایه ملی، از اهمیتی راهبردی برخوردار است.

آیت‌الله خاتمی به عنوان اندیشمندی نظریه‌پرداز و رهبر جریان‌ساز، در دهه‌های اخیر با تأکید مستمر بر مفهوم «تهاجم فرهنگی» و پیوند دادن آن با مسئله زبان، گفتمانی متمایز و جهت‌دار در عرصه فرهنگ و هویت ملی بنیان نهاده‌اند. ایشان ضمن شناسایی تهدیدات ناشی از نفوذ فرهنگی و زبانی بیگانه، مجموعه‌ای هماهنگ از راهکارها را برای صیانت از زبان فارسی و حفظ استقلال فرهنگی ارائه کرده‌اند. باوجود این، پرسشی اساسی در کانون این پژوهش قرار دارد: «راهکارهای پیشنهادی آیت‌الله خاتمی در باب پاسداری از زبان فارسی در چارچوب گفتمان ایشان چه نسبتی با یکدیگر دارند و چگونه در یک نظام معنایی منسجم سازمان می‌یابند؟»

نوآوری این پژوهش در آن است که به‌جای رویکرد توصیفی و نقل مستقیم بیانات، با بهره‌گیری از نظریه گفتمان «کلام و موعظه» به تحلیل ساختار معنایی و منطق درونی گفتمان آیت‌الله خاتمی درباره زبان فارسی می‌پردازد. این مطالعه می‌کوشد شبکه مفهومی و روابط گفتمانی میان مؤلفه‌هایی چون «زبان»، «هویت»، «استقلال» و «مقاومت فرهنگی» را آشکار سازد و نشان دهد چگونه این عناصر در قالب یک نظام گفتمانی منسجم، گفتمان زبان فارسی را به ابزاری برای بازتولید و تحکیم هویت ایرانی – اسلامی بدل می‌سازند.

آیت‌الله خاتمی، به عنوان یک نظریه‌پرداز و رهبر جریان‌ساز، در دهه‌های اخیر با اصرار بر «تهاجم فرهنگی» و پیوند دادن آن به مسئله زبان، گفتمان متمایزی را در این عرصه پایه‌ریزی کرده‌اند. ایشان نه تنها خطر را شناسایی کرده‌اند، بلکه مجموعه‌ای منسجم از راهکارها را برای مقابله با آن ارائه داده‌اند. با این حال، این پرسش اساسی وجود دارد که «این راهکارها در چارچوب گفتمانی ایشان چه نسبتی با یکدیگر دارند و چگونه در یک نظام معنایی واحد سازمان می‌یابند؟»

Commented [HS8]: فناوری (اصلاح در کل متن)

Commented [HS9]: (طبق سرمایه ملی / سرمایه ی ملی
دستورالعمل)

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Commented [P10]: پرسش پژوهش مشخص شد

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Commented [HS11]: مسئله ی زبان / مسئله زبان

Commented [HS12]: سوالات پژوهش به‌صورت مشخص بیان
شود، این پژوهش به‌دنبال پاسخگویی به چند سوال است؟ چون در پاراگراف بعد هم سؤالاتی مطرح شده‌اند

مسئله این پژوهش، تنها فهرست کردن این راهکارها نیست، بلکه کشف «منطق گفتمانی» حاکم بر آن‌هاست. چگونه مفهوم «تہاجم فرهنگی» به یک «فیریت سازمانده» تبدیل می‌شود که تمامی راهکارها را منبسط می‌سازد؟ چه زمینه‌ای از هم‌ارزی میان مفاهیمی چون هویت، استقلال و مقاومت ایجاد می‌شود تا از «حفظ زبان» یک «پروژه هویت‌ساز» بسازد؟ این پژوهش با استفاده از نظریه لاکلاو و موف در پی آن است که نشان دهد حفظ زبان فارسی در این گفتمان، صرفاً یک «فرهنگی» نیست، بلکه یک اقدام ایدئولوژیک در یک نبرد هژمونیک برای تعریف و تثبیت هویت ایرانی اسلامی است.

Commented [HS13]: مسئله / مسئله

مبانی نظری

در بخش مبانی نظری ابتدا به پیشینه تاریخی و جایگاه جهانی زبان فارسی و همچنین عوامل افول و چالش‌های معاصر آن پرداخته می‌شود تا زمینه‌ای برای درک موقعیت گفتمانی زبان فراهم گردد. در ادامه، با تکیه بر «نظریه گفتمان» لاکلاو و موف، چارچوب مفهومی لازم برای تحلیل سازوکارهای معنایی و هویت‌ساز در بیانات مقام معظم رهبری تبیین خواهد شد.

Commented [HS14]: مبانی نظری خلاصه تر شود مخصوصاً در توضیحات مربوط به مولفه‌های گوناگون

Formatted: Highlight

الف- تحلیل تاریخی جایگاه بین‌المللی زبان فارسی و علل افول آن

زبان فارسی یکی از پیشینه‌دارترین زبان‌های «متمدن» جهان است. تاریخ این زبان دست‌کم به «پیشینه نخست» پیش از میلاد باز می‌گردد (اسکایروو^۱، ۲۰۰۲: ۱۳) و به‌عنوان زبان دوم دین در کشورهای اسلامی خوانده می‌شود (یسنای، ۱۳۹۸: ۱۸۳) در گذشته نه چندان دور از زبان‌های مطرح دنیا و زبان رسمی ایران، تاجیکستان و یکی از دو زبان رسمی افغانستان بوده و در کشورهای زیادی مانند ازبکستان، قرقیزستان، ترکمنستان، قزاقستان، بحرین، هند، پاکستان، عراق و... نیز گویشوران بومی دارد (سیدان، ۱۳۹۵: ۲۱۴). و به‌عنوان یکی از عوامل پیوند دهنده نژادهای مختلف در «جزیره تمدن» زبان فارسی محسوب می‌شد (خدایار، ۱۳۹۷: ۵۰). یعنی در دوران قبل از انقلاب صنعتی، دورانی بود که با گسترش تمدن و قدرت ایران، زبان مورد «تجارت» بین‌المللی زبان فارسی بود. مهمترین عامل گسترش زبان فارسی و استفاده از آن به عنوان زبان میانجی، جاده ابریشم بود. در واقع، گسترش زبان فارسی به‌عنوان حامل فرهنگ ایرانی از برکات راه ابریشم تلقی می‌شود. در دوران ساسانیان رونق داد و سست در «سده ابریشم» و گسترش زبان فارسی با هم تقارن پیدا کرد و زبان فارسی به زبان میانجی بازرگانان در آسیای مرکزی (در اسغد و خوارزم) تبدیل شد (مجیدی و دهقانیان، ۱۳۹۵). در سفرنامه ابن بطوطه هم «گسترش زبان فارسی» تجلی می‌یابد. استفاده از عبارات و واژه‌های فارسی خیلی آشکار است، و حتی شاعران کشورهای مختلف به سرودن شعر فارسی علاقه داشتند (ابن بطوطه، ۱۴۱۲: ۶۴۰). به نقل از گنجی، (۱۳۹۳). «گسترش نفوذ» زبان فارسی به جنوب شرق اروپا یعنی به کشورهای یوگسلاوی، آلبانی، بلغارستان و قبرس هم رسید که ماحصلی از آن به چشم می‌آید. در کشور یونان و رومانی نیز شاید بتوان اثراتی از این تأثیر زبان را یافت که اسنادی از گستره نفوذ و استیلای زبان و ادبیات فارسی به نقاط جهان است (ریاحی، ۱۳۴۹: ۷۹). از آن هنگام تا کنون، زبان فارسی همواره به حرکت پویای خود ادامه داده و از رخدادهای مختلف به سلامت گذر کرده است. در صورتیکه اغلب زبان‌ها در این

Commented [HS15]: دست‌کم

Formatted: Highlight

Commented [HS17]: به‌عنوان

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Commented [HS19]: به‌عنوان

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

¹ Skjaervo

مدت آنچنان دچار دگرگونی شده‌اند که به جزء متخصصان، سایرین از خواندن و درک متون قدیمی عاجزند (کرازی، ۱۳۷۶: ۲۲۳). اما در طول قرن بیستم، زبان فارسی دستخوش دگرگونی‌های بسیاری شده است و تحولات سیاسی و انقلاب صنعتی برگسترش و میدان کاربرد آن اثر گذاشته است و تحت تأثیر زبان عربی و انگلیسی قرار گرفته‌اند. از عوامل **صحنه‌ساز** رواج زبان عربی **بیان ایرانیان** و تأثیر آن در لهجه‌های ایرانیان، لشکرکشی تازیان در ایران و توقف سربازان عرب در نواحی **مختلف** ایران به‌ویژه در نواحی مرکزی و شرقی **بوده است** **مکتب اختیار کرده و با ایرانیان آمیزش یافتند**. (صفا، ج ۱، ۱۳۷۱: ۱۵۴). یکی از مهم‌ترین عوامل افول بین‌المللی زبان فارسی در **پس از جنگ جهانی دوم**، «انقلاب صنعتی» است. تبدیل‌شدن زبان علم به انگلیسی و فرانسه و رشد سریع صنعت در اروپا و همچنین احساس نیازهای **جامعه شرقی** به صنعت و دانش اروپایی، نیاز **جامعه شرقی** را به یادگیری زبان انگلیسی را بیش‌ازپیش عیان کرد. رویکردهای ایدئولوژیکی که در آموزش زبان انگلیسی بعد از آن به کار گرفته شد، در ارتقای جایگاه زبان انگلیسی بی تأثیر نبود (مشهدی و رجبی، ۱۳۹۸).

ب- **نظریه گفتمان لاکلا و موفه**

هر اندیشه با تکیه بر مبانی فلسفی و بنیادین خود، روش متناسب با خویش را تولید و پدیده‌های **پدیده‌های اجتماعی** را در قالب آن تحلیل می‌کند (یورگنسن و فیلیپز، ۱۳۹۵: ۲۲). از این منظر، نظریه لاکلا و موفه بر پیوندی میان دو سنت نظری استوار است: مارکسیسم ساختارگرایانه و زبان‌شناسی سوسوری. مارکسیسم، بنیان‌های اجتماعی و ایدئولوژیک این نظریه را فراهم می‌سازد، در حالی که زبان‌شناسی ساختارگرای سوسور، چارچوبی برای تحلیل معنا و فرایندهای دلالت در گفتمان در اختیار آن قرار می‌دهد. بدین ترتیب، این نظریه تلفیقی از تحلیل اجتماعی قدرت و سازوکارهای زبانی تولید معنا به شمار می‌آید. لاکلا و موفه گفتمان را **پدیده‌های پدیده‌های اجتماعی** زبانی می‌دانند و معتقدند که هیچ امری خارج از گفتمان نیست و جهان و هرچه در آن هست با گفتمان معنادار می‌شود (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۵۴).

در نظام رابطه‌ای گفتمان از دیدگاه لاکلا و موفه، میان عناصر پراکنده و بی‌معنا نوعی نظم و پیوند معنایی برقرار می‌شود که به‌واسطه فرایندهای خاص، این عناصر به هم مفصل‌بندی شده و در نتیجه هویتی تازه و موقت می‌یابند. آنان برای تبیین این سازوکار از مفاهیم بنیادینی چون مفصل‌بندی، **دال و مدلول**، **دال مرکزی** و **دال شناور**، انسداد معنایی، **عنصر** و **گرمگاه** استفاده کرده‌اند. عناصر و

² Laclau & Mouffe

³ Laclau & Mouffe

⁴ articulation

⁵ signifier & signified

⁶ Nodal point

⁷ floating signifier

⁸ element

⁹ moment

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

پانویس در اولین مواجهه با این عنوان
Commented [HS21]: باشد(رعایت شیوه یکسان در پانویس‌ها طبق شیوه‌نامه مورد انتظار است)

پانویس انگلیسی: Commented [HS22]:

Formatted: Font: (Default) +Headings CS (Times New Roman), Complex Script Font: +Headings CS (Times New Roman)

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

قلمرو گفتمانی^{۱۰} بهره می‌گیرند. در ادامه، به تعاریف و تبیین هر یک از این مفاهیم کلیدی پرداخته می‌شود تا سازوکار شکل‌گیری معنا در گفتمان روشن گردد.

تحلیل مؤلفه‌ها و مفاهیم بنیادین نظریه گفتمان لاکلا و موفه

به باور لاکلا و موفه، صورت‌بندی یک نظریه گفتمانی مستلزم تبیین مفاهیم کلیدی و بنیادین است. این دو نظریه‌پرداز برای تدوین چارچوب نظری خود، از منظومه‌ای از مفاهیم متعدد، پیچیده و چندبعدی بهره برده‌اند که فهم نظام‌مند این نظریه و امکان کاربست عملی آن را منوط به شناخت دقیق این مفاهیم می‌سازد. از ویژگی‌های این نظام مفهومی، می‌توان به ارتباط دیالکتیکی و زنجیره‌وار مفاهیم اشاره کرد؛ به گونه‌ای که درک هر مفهوم، زمینه‌ساز شناخت مفهوم بعدی بوده و در نهایت شبکه‌ای به هم پیوسته از معانی را شکل می‌دهد. افزون بر این، برخی مفاهیم محوری در این نظریه، برجسته‌تر از بقیه مفاهیم فرعی‌تری هستند که در نسبت سلسله‌مراتبی با آنها قرار می‌گیرند. در این مقاله، تلاش شده است تا با ترسیم این منظومه مفهومی، هم‌بستگی‌های درونی و سطوح مختلف این مفاهیم به‌صورت نظام‌مند تبیین گردد.

Formatted: Highlight

مفصل‌بندی^{۱۱}: مفهوم «مفصل‌بندی» به هر فرایندی^{۱۲} اطلاق می‌شود که عناصر مختلف را به یکدیگر پیوند می‌دهد و در نتیجه، هویت آن عناصر از طریق این پیوند تنظیم و تعریف می‌شود. (لاکلا و موفه، ۱۹۸۵: ۱۰۵). از این رو، هویت یک گفتمان، بر اثر رابطه‌ای که از طریق عمل مفصل‌بندی میان عناصر گوناگون پدید می‌آید (هویت ارتباطی) شکل می‌گیرد. (تاجیک، ۱۳۸۳: ۴۶).

پانویس در اولین مواجهه با این اصطلاح
باشد

Commented [H24R23]: انجام شد

دال و مدلول^{۱۳}: دلالت اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی یا حقیقی در چارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معانی خاص-مدلول نامیده می‌شود. مدلول نشانه‌ای است که ما با دیدن آن، دال مورد نظر برایمان معنا می‌شود. (لاکلا و موفه، ۲۰۰۲: ۱۴۰).

پانویس در اولین مواجهه با این اصطلاح
باشد

Commented [HS26]: پانویس در اولین مواجهه با این اصطلاح
باشد (در مورد سایر پانویس‌ها نیز این موضوع رعایت شود)

دال مرکزی^{۱۴}: به شخص، نماد، یا مفهومی که سایر دال‌ها حول محور آن جمع و مفصل‌بندی می‌شوند، «دال مرکزی» می‌گویند. (خلجی، ۱۳۸۶: ۵۴). به طور کلی می‌توان گفت انسجام در گفتمان در سایه مفصل‌بندی دال‌ها، حول دال مرکزی حاصل می‌شود. (کسرایی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۴).

¹⁰ Field of Discursivity

¹¹ articulation

¹² Signifier & Signified

¹³ Nodal point

دال شناور:^{۴۴} در این نظریه، همان نشانه‌ها و مفاهیمی هستند که گفتمان‌های مختلف در تلاش برای معنادهی به آنها می‌باشند. «دال شناور» دالی است که مدلول آن شناور (غیرثابت) است و گروه‌های مختلف سیاسی برای انتساب مدلول مورد نظر آن با هم رقابت می‌کنند.» (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۷).

دال خالی: دال خالی بیان‌گر یک خلأ در فضای اجتماعی است.^{۴۵} به عبارت دیگر، نشان از یک امر غایب دارد. وظیفه دال‌های خالی بازنمایی وضع مطلوب و آرمانی است. از آنجا که این دال‌ها همواره نواقص را گوشزد می‌کنند، تولید آنها سبب پویایی جامعه و سیاست خواهد شد. (لاکلا، ۱۹۹۴: ۴۹). دال‌های خالی نمایانگر کل زنجیره گفتمانی دال‌های مرتبط با خود هستند و کاملاً عاری از هرگونه معنای خاص خود می‌باشند. تنها معنایی که یک دال خالی دارد این است که در یک طرف دوگانگی قرار دارد که ساختار گفتمانی را به دو گروه تقسیم می‌کند (جیکوبز، ۲۰۱۸: ۱۰۵)

عناصر و وقته‌ها: عناصر، نشانه‌هایی هستند که مفصل‌بندی نشده و به همین دلیل هنوز معنایشان تثبیت نگشته و دارای معنایی چندگانه هستند. اما هنگامی که عناصر در درون یک گفتمان مفصل‌بندی و به هویت و معنای موقت دست پیدا می‌کنند تبدیل به وقته‌ها می‌شوند. (لاکلا، ۱۹۸۵: ۱۰۵). نقطه‌نگاری گفتمان‌ها از طریق ثابت نسبی نقطه حول دال مرکزی است که معنای خود را از مرجع رابطه با دال مرکزی کسب می‌کند (بورگنسن و قلیچس، ۲۰۱۹: ۶۳-۶۱)

انسداد:^{۴۶} یک گفتمان، تلاشی است برای تبدیل عناصر به وقته‌ها از طریق تقلیل چندگانگی معنایی آنها به یک معنای کاملاً تثبیت شد.^{۴۷} (بورگنسن، ۲۰۰۲: ۲۸).

هژمونی و تثبیت معنا: لاکلا از انعطاف‌پذیری میان دال و مدلول استفاده می‌کند و آن را با هژمونی، پیوند می‌دهد؛ یعنی اگر افکار عمومی، معنای مشخصی را برای آن هر چند بسیار موقت بپذیرد و تثبیت نماید آن دال هژمونیک می‌شود. (آزرمی، ۱۳۹۲).

سازه‌ها و فرآیندهای فرایندهای تکوین گفتمان از دیدگاه لاکلا و موفه

قدرت: قدرت از نظر لاکلا و موفه، عبارت است از «قدرت تعریف کردن؛ و تحمیل این تعریف در برابر هر آنچه آن را نفی می‌نماید.» (نش، ۱۳۸۰: ۴۹).

در قسمت بالا درج شد: [P28R27] Commented

Formatted: Font: Bold, Complex Script Font: Bold

Formatted: Font: Bold, Complex Script Font: Bold

Formatted: Font: Bold, Complex Script Font: Bold

Formatted: Highlight

نظر داور دوم اعمال شد. [H29] Commented

Formatted: Highlight

Formatted: Font: Bold, Complex Script Font: Bold

Formatted: Font: Bold, Complex Script Font: Bold

⁴⁴ Floating Signifier

⁴⁵ Jacobs

⁴⁶ Field of Discursivity

⁴⁷ Jorgensen

هویت: از آنجا که همه چیز در درون گفتمان معنا می‌شود، هویت نیز امری گفتمانی است که گفتمان به افراد و پدیده‌های اجتماعی اعطا می‌کند. البته به علت تنازع و تخصم دائم میان گفتمان‌ها امر هویت بخشی، موقت و نسبی است و هویت گفتمان، ناپایدار است. هویت‌ها، بر ساخته فصل مفصل بندی‌های هژمونیک هستند.

غیریت^{۱۸}: در نظریه گفتمان، غیریت‌سازی یعنی مبارزه بر سر خلق معنا، چراکه نزاع و تقابل در جامعه، نیروی پیش‌راند آن است و هر گفتمانی با گفتمان‌های دیگر در حال نزاع است و سعی می‌کند واقعیت را آن‌گونه که خود می‌خواهد تعریف کند. درواقع غیریت‌سازی اجتماعی از سه جهت برای نظریه گفتمان اهمیت دارد: ۱- خلق رابطه‌ای غیریت‌سازانه که همواره شامل تولید دشمن‌سازی یا یک «دیگری» است، برای تأسیس مرزهای سیاسی اهمیت بسزایی دارد: ۲- تشکیل روابط غیریت‌سازانه و تثبیت مرزهای سیاسی برای تثبیت جزئی هویت شکل‌های گفتمانی و عاملان اجتماعی، با اهمیت است. ۳- آزمودن غیریت‌سازی مثال خوبی برای نشان‌دادن محتمل و مشروط بودن هویت است: سلطانی، ۱۳۹۲: ۹۴.

خصوصیت: در سیاست‌های لاکلا و موفه به امکانی و موقتی بودن و تصادفی بودن نهایی پدیده‌ها و گفتمان‌ها اشاره دارد. خصوصیت همواره وجود یک گفتمان را تهدید می‌کند و آن را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد، پس گفتمان‌ها بر مبنای خصوصیت، خصلتی امکانی و موقتی دارند و هیچگاه تثبیت نمی‌شوند. از سوی دیگر، این تضاد همیشه خصلتی ویرانگر ندارد و می‌تواند سازنده هم باشد؛ زیرا هویت‌ها جوهری ثابت نیستند و تنها در ارتباط با دیگری و ضدیتی که با آن برقرار می‌کنند، هویت می‌یابند. بنابراین، وجود غیر، هم باید انسجام بخشی به هویت گفتمان است و هم آن را از رقبای دیگر متمایز می‌کند. از این‌رو، هویت گفتمان‌ها، از تقابل میان درون و برون شکل می‌گیرد (مقدمی، ۱۳۹۰: ۱۰۳-۱۰۴).

زنجیره‌های هم‌ارزی و تفاوت^{۱۹}: گفتمان‌ها از طریق زنجیره هم‌ارزی، تفاوت‌های موجود میان عناصر را از بین می‌برند و به‌نوعی وحدت و انسجام میان آنها کمک می‌کنند. در این معنا، عناصر خصلت‌های متفاوت و معناهای رقیب را از دست می‌دهند و در معنایی که گفتمان ایجاد می‌کند، منحل می‌شوند. منطق هم‌ارزی منطق ساده‌سازی فضای سیاسی است: حسینی‌زاده، ۱۳۸۸: ۳۴. و غیریت ما را به مفهوم دیگری نیز رهنمون می‌سازد می‌سازد می‌گیرد که از آن با نام منطق تفاوت یاد می‌شود. منطق تفاوت^{۲۰}، به ویژگی متکثر بودن جامعه اشاره دارد و بر تمایز و تفاوت‌های میان نیروهای اجتماعی تأکید می‌کند. این حال اگرچه زنجیره‌های هم‌ارزی

مرکز می‌تواند به طور کلی بر فضای بازمانده تسلط کرده اما می‌تواند بسیار به آن نزدیک شود اما تنها با یک تفاوت اصلی
این مانده است اینجاست که مانده را در می‌خواند زیرا این تفاوت اساسی جاذبه گفتمانی را تغییر می‌دهد و آن را به دو قسمت
تفاوت تقسیم می‌کند در این سلسله تمام ال‌های موجود در زنجیره گفتمانی به یک قطب‌گرایی واحد معادل تبدیل می‌شود که به یک دول
مانند تبدیل می‌شود (سلطانی، ۱۳۹۲: ۱۰۳-۱۰۴)

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Commented [HS30]: دشمن‌سازی

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Commented [H31]: نظر داور دوم اعمال شد

Formatted: Highlight

¹⁸ otherness

¹⁹ - Chain of equivalence and difference

²⁰ Logic of difference

مجموعه پژوهش:

Formatted: Highlight

بررسی مجموعه پژوهش‌های انجام‌شده در مجموعه تحلیل گفتمان بیانات مقام معظم رهبری نشان می‌دهد که مطالعات متعددی با چارچوب‌های نظری مشابه انجام شده‌اند، هرچند موضوعات مورد بررسی در آن‌ها متفاوت بوده است. برای نمونه، شعاعی و میرشکاری سلیمانی (۱۴۰۲) به تحلیل گفتمان خطبه‌های نماز جمعه و بازتاب آن در رسانه‌های آمریکایی پرداخته‌اند و هوشنگی (۱۳۹۹) مواضع رهبری نسبت به اهل سنت را مورد بررسی قرار داده است. همچنین پژوهش‌هایی مانند عبدالملکی و احمدی (۱۳۹۲)، بشیر و همکاران و کاشی به تحلیل گفتمان بیانات مرتبط با انتخابات ریاست جمهوری پرداخته‌اند و در مجموعه مورد سیاست خارجی، آثار اسدی (۱۳۹۳)، کریمی فیروزجایی و حبیبی (۱۴۰۰) و میرزایی و همکاران (۱۳۹۵) به ترتیب به بررسی گفتمان «تعامل‌گرایی ضد سلطه»، «برجام» و «بیداری اسلامی» اختصاص داشته است. افزون بر این، نصرت‌پناه و همکاران (۱۳۹۸) با تحلیل بیانیه گام دوم انقلاب، به بازتولید ارزش‌های انقلابی پرداخته‌اند.

Formatted: Highlight

با وجود این حجم از مطالعات گفتمانی، بررسی‌ها نشان می‌دهد که هیچ‌یک از پژوهش‌ها به‌صورت خاص به تحلیل گفتمان بیانات مقام معظم رهبری در مجموعه زبان فارسی نپرداخته‌اند. این‌جمله پژوهشی، زمینه‌ساز نوآوری پژوهش حاضر است. پژوهش پیش‌رو با تمرکز بر تحلیل گفتمان تربیتی و فرهنگی مرتبط با زبان فارسی در بیانات رهبری و با بهره‌گیری از چارچوب نظری لاکلا و موفه، برای نخستین بار امکان شناسایی دال‌های مرکزی، زنجیره‌های هم‌ارزی و نقش زبان فارسی در بازتولید هویت فرهنگی و مقاومت معنایی را فراهم می‌آورد. بدین ترتیب، این پژوهش با مجموعه پژوهش‌های جامع از جایگاه زبان فارسی در گفتمان رهبری، نوآوری علمی و ارزش افزوده قابل توجهی نسبت به مطالعات پیشین ایجاد می‌کند. البته برخی از پژوهش‌ها به بررسی راهکارهای حفظ و گسترش زبان فارسی پرداخته‌اند که در زیر به آنها اشاره می‌شود.

صابری زعفرندی (۱۴۰۱) بر این باور است که حفظ شأن علمی زبان فارسی به عنوان زبان تفکر، فرهنگ و تاریخ، یک ضرورت ملی و هویتی است. این امر مستلزم توجه به سیاست‌گذاری‌های زبانی، تقویت جایگاه فارسی در عرصه‌های آموزشی، پژوهشی و فناوری است. تقویت و ترویج زبان فارسی در گرو عزم ملی و برنامه‌ریزی کلان برای ارتقای آن در سطح ملی و بین‌المللی می‌باشد.

اسمعیل زاده (۱۳۹۳) نقش شاعران بزرگ زبان فارسی را در حفظ و پاسداشت از زبان فارسی به عنوان زبان ملی بررسی کرده است. نویسندگان، روشنفکران، نخبگان، عالمان و شاعران از روی مجموعه ملی و برای رشد فرهنگی و فکری مردم و جلوگیری از پراکندگی و گسیختگی جامعه زبان را به عنوان محور اساسی و وحدت ملی انتخاب کرده‌اند. این هم‌فکری و هم‌نظری در درازی تاریخ ایران، باعث شده است تا زبان فارسی نه تنها به صورت زبان ذوق، عرفان، شعر، فلسفه، تاریخ و فرهنگ ایران درآید، بلکه در هویت بخشیدن به ایران و حفظ وحدت ارضی و فرهنگی آن نیز نقش بدون انکار بازی کرده است.

قاسمی پیربلوطی (۱۴۰۲) عملکرد قانون ممنوعیت به کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه به همراه الزامات تقنینی و ملاحظات سیاست‌گذاری زبانی در جهت پاسداشت زبان فارسی را ارزیابی کرده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که عمده دستگاه

هایی که در قبال این قانون **سیاستنامه قانونی** مستقیم یا غیرمستقیم دارند²¹ نسبت به اجرای این قانون کم توجه یا بی توجه **بوده** است. به طور کلی²² اگرچه در زمینه پاسداری از زبان فارسی اقدام های مناسبی در دو **سیاستنامه نهادسازی** و قانونگذاری صورت گرفته است²³ در بُعد اجرا (اقدام های اجرایی²⁴ ضمانت اجرا و نظارت بر اجرا) چالش و ضعف جدی وجود دارد. در پایان نیز ملاحظات²⁵ پیشنهادها و راهکارهایی در چهار محور «سیاستگذاری زبانی»، «مفاد قانون و آیین نامه اجرایی»، «آرایش و نقش آفرینی دستگاه ها و بازیگران» و «زمینه ها و زیرساخت ها» ارائه شده است.

روش پژوهش:

پژوهش حاضر از نوع کیفی-تحلیلی **و با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی و روش تحلیل گفتمان لاکلاو و موف** است که با رویکردی کیفی به بررسی چگونگی شکل گیری معاد و باز تولید قدرت در گفتمانها می پردازد. در این روش، زبان بحث، برای ساخت واقعیت اجتماعی تحلیل می شود. به صورتی وسیع تر برای بازتابی آن تحلیل بر محور مفاهیمی چون «دولت مرکزی»، «انجمن های مردمی» و «مهریت سازی» انجام می گیرد تا منظور گفتمانی حاکم بر زیادت آستانه خاندانی درباره زبان فارسی **شکار شود**.

داده های پژوهش:

انگیزه پژوهش شامل **بررسی** **سیاست های زبانی و زیادت نظام معظم رهبری درباره زبان فارسی و هویت فرهنگی در باره رهبری** است. **روش** پژوهش **تحلیل گفتمان لاکلاو و موف** است که به صورت **معمول** **تحلیل گفتمان انتقادی** **و روش تحلیل گفتمان لاکلاو و موف** **دیگری** **گفتمان و منطق حرمی و یک عنصر** **است** **و** **تأثیرات فرهنگی باز تولید هویت و مقاومت فرهنگی رهبری** **گروه** **انگیزه** **پژوهش** **این پژوهش** **و** **سیاست های خاندانی شامل دیدار با اعضای گروه** **انگیزه** **و** **مهریت سازی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰)** **دیدار با** **سازمان دانشگاه آمل (۱۳۹۲)** **و** **دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۲)** **گزارش شده است** **از** **پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آستانه خاندانی** **و** **بر اساس پیش های موضوعی مربوط به «زبان فارسی» استخراج شده است** **انتخاب این سه متن به دلیل تمرکز مستقیم آنها بر مقوله زبان فارسی، فرهنگ و تعاضد فرهنگی انجام گرفته است** **این سخنرانی ها** **نظر تاریخی، بازتاب دهنده تحول و استمرار گفتمان رهبری در دوره های مختلف است** **هدف از این انتخاب بررسی نظام معنایی و** **سطح گفتمانی ایشان در بازتابی زبان فارسی به مثابه عنصر زیادت هویت ملی و فرهنگی ایران است**

تحلیل یافته ها:

²¹ <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2635>

²² <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=2635>

نیاز به توضیحات بیشتر و دقیق تر وجود دارد

Formatted: Highlight

مبهم است؛ به صورت شفاف شیوه گزینش سخنان و بیانات مقام معظم رهبری را بیان بفرمایید

Formatted: Highlight

Commented [HS34]: ؟

Formatted: Highlight

Formatted: Font: Not Bold, Complex Script Font: Not Bold, Highlight

Formatted: Font: Not Bold, Complex Script Font: Not Bold, Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Font: Not Bold, Complex Script Font: Not Bold, Highlight

Formatted: Highlight

با توجه به اینکه این بخش تحلیل داده ها نام دارد، مقدمه ای که پیش از هر جدول آمده خلاصه تر شود

Commented [P36R35]: بعضی از مطالب حذف شد و خلاصه تر شد

Commented [H37]: مطلب دکتر کزازی حذف شد از واژه سازی

واژه‌سازی برای واژه‌های بیگانه: زبان فارسی ساده‌ترین و موزون‌ترین زبان در بین زبان‌های هند و اروپایی، از دید دیگر شدگی آوایی است. در هیچ‌کدام از آنها بافت آوایی زبان چنان نغز و آهنگین و دلایر نشده که در زبان فارسی شده است. (کوازی، ۱۳۷۶: ۲۲۵). از این سو، زبان فارسی از نظر امکانات واژه‌سازی زبانی است پرمایه و ساختمان ترکیبی واژه در آن مایه بسیار برای گسترش دامنه واژگان این زبان فراهم می‌کند و امروز که ما به هزاران واژه تازه در زمینه علم و فن و فلسفه و هنر نیاز داریم، بهره‌گیری از این امکانات درونی زبان می‌تواند بسیار مشکل‌گشا باشد. (آشوری، ۱۳۸۹: ۱۵۵-۱۵۶) عدم تحقق این توانمندی و تخطی از برخی اصول واژه‌گزینی، به همراه غفلت برخی مسئولان مربوطه، موجب شده است که رهبر معظم انقلاب در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۹۲ نسبت به وضعیت زبان فارسی ابراز نگرانی کنند و به مسئولان تذکر دهند. در جدول شماره ۱، به تحلیل سخنان ایشان از دیدگاه لاکلا و موفه پرداخته خواهد شد.

جدول شماره: ۱

مؤلفه	توصیف و مؤلفه‌های متناظر	شواهد از متن
گفتمانی		
دال مرکزی	زبان فارسی به مثابه‌ی هسته‌ی هویت فرهنگی و ملی؛ ابزار استقلال فرهنگی و مقاومت تعدنی	«خیلی نگران زبان فارسی‌ام... زبان فارسی باید گسترش پیدا کند»
زنجیره هم‌ارزی	زبان فارسی ↔ هویت ملی ↔ استقلال فرهنگی ↔ مقاومت در برابر تهاجم زبانی	«برای تحکیم آن، برای تعمیق آن، برای گسترش آن...»
هم‌ارزی	واژه‌سازی بومی ↔ غیرت فرهنگی ↔ مسئولیت اجتماعی	فارسی واژه‌سازی کنید و اصطلاح ایجاد کنید»
زنجیره تفاوت	واژگان بیگانه ↔ تهاجم فرهنگی ↔ فراموشی زبان فارسی ↔ خودکم‌بینی زبانی	«تهاجم به زبان زیاد است... ننگش می‌کند کسی که تعبیر فارسی به کار ببرد.»
تفاوت	بی‌عملی نهادی	
دیگری	فرهنگ و زبان بیگانه، گفتار فرنگی‌مآب، نهادهای غافل از مسئولیت زبانی	«در کانون زبان فارسی داریم زبان فارسی را فراموش می‌کنیم.»
گفتمانی		
منطق هم‌ارزی	تقابل ما / آن‌ها؛ حافظان زبان در برابر مروجان زبان بیگانه؛ تأکید بر مبارزه با تهاجم زبانی	«باید با این مبارزه کرد.»
منطق تفاوت	پازتولید درون‌زای معنا از طریق واژه‌سازی، گسترش فرهنگی و ایجاد اصطلاحات فارسی	«فارسی بنویسید، فارسی واژه‌سازی کنید و اصطلاح ایجاد کنید.»
فاعل	ما:ی فرهنگی: معلمان، نهادهای زبانی، مردم و نخبگان مسئول در پاسداری از زبان فارسی	«ما در کانون زبان فارسی داریم زبان فارسی را فراموش می‌کنیم.»
گفتمانی		

Commented [HS38]: فارسی نوشته شود

Formatted: Highlight

Commented [P40R39]: انجام شد

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

مؤلفه	توصیف و مؤلفه‌های متناظر	شواهد از متن
گفتمانی		
منطق	تلاش برای بر ساخت هژمونی فرهنگی بر پایه‌ی زبان فارسی؛ مقاومت در برابر	«زبان فارسی باید گسترش پیدا کند و نفوذ فرهنگی آن
هژمونیک	جهانی‌سازی زبانی	افزایش یابد.»
هدف	بازتعریف زبان فارسی به‌عنوان رکن هویت فرهنگی و ابزار مقاومت نرم در برابر	«باید نفوذ فرهنگی زبان فارسی در سطح جهان روبه‌روز
گفتمان	غرب	بیشتر شود.»

استفاده نکردن از واژه‌های بیگانه: در **سبک‌نامه قاجاریه**، آشنایی و ارتباط ایرانیان با اروپاییان، موجب تحولات عظیمی در اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، اداری و نظامی ایران شد. این امر در زبان فارسی نیز تأثیری شگرف بر جای گذاشت. البته نخستین برخورد بارز و مشخص ایرانیان با غرب، به پیش از این دوره می‌رسد: «در دوره حسن بیگ، جمهوری ونیز برای مقابله با ترکان عثمانی، ایجاد ارتباط سیاسی با ملل دیگر را به تصویب رساند که نتیجه پذیرش این موضوع، به ورود جهانگردان و تجار و سفرا و انتقال کالاها به کشورهای دیگر انجامید. ورود اولین مظاهر تمدن اروپا نیز در پوشش کالاهایی چون اسلحه و عینک از زمان حسن بیگ آغاز شد.» (قبادی، ۱۳۸۳: ۵). واژه‌های دخیل در زبان فارسی از گذشته تاکنون همواره وجود داشته و اغلب در بطن زبان نیز «در واقع» پذیرفته شده‌اند؛ همین که ملتی یکی از محصولات کشاورزی یا صنعتی را از کشور دیگر به دست آورد یا بعضی قواعد و آداب تمدن و فرهنگ را از ملت‌های دیگر اقتباس **کند**، غالباً لفظی را که بر آن معنی دلالت داشته نیز عیناً یا با مختصر تغییری می‌پذیرد* (ناتل خانلری، ج ۱، ۱۳۹۵: ۹۹). در روزگار کنونی، نفوذ فرهنگ غرب و گرایش افراطی به به‌کارگیری واژگان بیگانه، به‌ویژه با انگیزه نمایش منزلت اجتماعی و تمایز فرهنگی، به پدیده‌ای رایج تبدیل شده است. این روند نوعی استعمار نوین زبانی محسوب می‌شود که هدف آن تضعیف هویت بومی و کاهش اقتدار فرهنگی زبان فارسی است.

اما امروزه یکی از مهم‌ترین دلایل افزایش ورود واژگان و واژه‌های بیگانه، به‌ویژه واژگان واژه‌های زبان انگلیسی، تمایل به یادگیری و استفاده از این زبان است. در عصر حاضر، آموزش زبان به‌عنوان ابزاری در جنگ نرم به شمار می‌رود و تنها به منظور ارتباط متقابل محدود نمی‌شود. بسیاری از صاحب‌نظران حوزه آموزش زبان بر این باورند که اکنون تسخیر مرزهای جغرافیایی به دلایل مختلف امکان‌پذیر نیست. استعمار نو با طرح مباحثی مانند زبان واحد و فرهنگ واحد، به دنبال تسخیر فرهنگ‌ها، نابودی زبان‌های محلی و ایجاد هویت جدید برای کشورهای دیگر، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه است. کشور ایران از دیرباز تحت تأثیر استعمارگری انگلیس و فرهنگ غرب قرار داشته است. با پیروزی انقلاب اسلامی، وابستگی سیاسی و اقتصادی به تدریج رو به انحطاط گذاشت، اما از لحاظ فرهنگی این خطر مورد غفلت واقع شد. رهبر فرزانه انقلاب به‌خوبی و به‌موقع به تهاجم فرهنگی سیاستمداران غربی

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Right-to-left

Formatted: Highlight

Formatted: Font: Not Bold, Complex Script Font: Not Bold, Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

اشاره کردند و در دیدار با استادان دانشگاه‌ها در ۱۵ مرداد ۱۳۹۲، استفاده از واژه‌های بیگانه را رنج‌آور توصیف کردند. در جدول شماره ۲، به تحلیل سخنان ایشان با توجه به **توصیف به لاکلا** و موفه خواهیم پرداخت.

جدول شماره: ۲

Formatted: Font: 10 pt, Bold, Complex Script Font: 10 pt, Bold

شواهد از متن	توصیف و مصادیق	مؤلفه گفتمانی
«از اینکه واژه‌های بیگانه بی‌دریغ در زبان مردم ما به کار می‌رفت... رنج می‌بردم.»	زبان فارسی؛ نماد اصالت و هویت فرهنگی	دال مرکزی
«درحالی‌که واژه معادل فارسی وجود دارد، دوست می‌دارند از تعبیرات غربی استفاده کنند..»	زبان فارسی ↔ استقلال فرهنگی ↔ عزت ملی ↔ غیرت زبانی ↔ خودباوری فرهنگی ↔ مبارزه با تقلید	رنجیره هم‌ارزی
«افتخار می‌کردند که یک مطلب را با تعبیر فرنگی بیان کنند.»	واژه‌های بیگانه ↔ تقلید فرهنگی ↔ خودکم‌بینی ↔ غرب‌گرایی ↔ فراموشی زبان بومی	رنجیره تفاوت
«یک عده‌ای کانه افتخار می‌کنند که حقیقتی را با واژه فرنگی بیان کنند.»	فرهنگ و زبان غربی، فرنگی‌مآبی، الگوی گفتاری غرب‌زده	دیگری گفتمانی
«خیلی از سنت‌های غلط پیش از انقلاب... این یکی از بین نرفت.»	مرزبندی میان ما (پاسداران زبان فارسی) و آن‌ها (مقلدان زبانی غرب)	منطق هم‌ارزی
«درحالی‌که واژه معادل فارسی وجود دارد.»	دعوت به خودآگاهی زبانی و بازگشت به زبان بومی؛ نقد عادت فرهنگی نه حذف دیگری	منطق تفاوت
«بنده از پیش از انقلاب از این وضعیت رنج می‌بردم.»	ایرانی آگاه و مسئول در برابر زبان مادری؛ حامل اصالت فرهنگی	فاعل گفتمانی
«این به دامنه‌های گسترده‌ای در سطوح عوامانه رسیده که واقعاً رنج‌آور است..»	تلاش برای بازتولید هژمونی فرهنگی از طریق بازتعریف رابطه مردم با زبان فارسی	منطق هژمونیک
«افتخار به تعبیر فرنگی رنج‌آور است.»	احیای غیرت زبانی و بازسازی عزت فرهنگی در برابر سلطه زبانی غرب	هدف گفتمان

احیای نشانه‌های زبانی در فضای جامعه: ترمیناساوا^{۲۳} بر این باور است که زبان، ارزش‌های فرهنگی را در کلمات، دستور و قواعد، اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها و تعبیرات، فولکلور، ادبیات، علم و همچنین در نوشتار و گفتار شفاهی حفظ می‌کند. (شاربونیه، ۱۹۶۱: ۱۸۸). به منظور حفظ زبان فارسی در اصل ۳۳ مجموعه ضوابط تولید آگهی‌های رادیویی و تلویزیونی آمده است که در متن و گفتار آگهی باید از واژه‌ها و کلمات فارسی استفاده شود و همچنین اسامی کالاهای و اماکنی که در متن آگهی ذکر و یا در تصویر نمایش داده می‌شود باید فارسی باشد. (مسعودی پور، ۱۳۹۹: ۵۹۳). اما با توجه به گسترش تکنولوژی و اینترنت شیوه‌های املایی گوناگونی گسترش پیدا کرده است. گاه واژه‌های فارسی را به خط لاتینی و گاه واژه‌های بیگانه را به خط فارسی می‌نویسند. در نوشتن واژه‌های فارسی نیز به قواعد و نظام واحدی مقید نیستند. در دل این آشفتگی، که روز به روز دامنه آن فراخ‌تر می‌شود، بعضی از وب‌نویسان در دستور خط فارسی شیوه‌هایی تازه و نامأنوس را بنا می‌نهند: (رضی و ضیائی، ۱۳۸۹: ۴۹). مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در آذرماه ۱۳۹۲، کاربرد خط و زبان لاتین در تبلیغات را حیرت‌آور دانسته و بیان کردند. در جدول شماره ۳، به تحلیل گفتمان سخنان ایشان با توجه به **مطرحه نظریه لاکلا و موفه** خواهیم پرداخت.

جدول شماره ۳

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

شواهد از متن	توصیف و مصادیق	مؤلفه گفتمانی
«اسم فارسی را با خط لاتین می‌نویسند! خب چرا؟»	زبان فارسی به عنوان نماد هویت فرهنگی و استقلال ملی	دال مرکزی
«هرگز نیابستی از روی محصولات ما زبان فارسی برداشته بشود»	زبان فارسی ↔ هویت ملی ↔ تولید داخلی ↔ عزت فرهنگی ↔ خودباوری ↔ احترام به مخاطب ایرانی	هم‌ارزی
«روی کیف بچه‌های دبستانی چه لزومی دارد که یک تعبیر فرنگی نوشته بشود؟»	حروف لاتین ↔ نام‌های فرنگی ↔ تقلید فرهنگی ↔ سلطه نمادین غرب ↔ خودکم‌بینی زبانی	زنجیره تفاوت
«اسم فارسی با حروف لاتین... چه کسی می‌خواهد از این استفاده کند؟»	فرهنگ و زبان غربی؛ تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان غرب‌زده	دیگری گفتمانی

شواهد از متن	توصیف و مصادیق	مؤلفه گفتمانی
«محصولی در داخل تولید می‌شود، در داخل مصرف می‌شود، چه لزومی دارد؟»	پیوند میان زبان فارسی، هویت و تولید داخلی در برابر نفوذ بیگانه	منطق هم‌ارزی
«اگر محصول صادراتی دارید... زبان خارجی هم نوشته بشود؛ اما در داخل مصرف می‌شود، نه.»	تمایز منطقی میان کاربرد بین‌المللی (صادرات) و کاربرد داخلی	منطق تفاوت
«من واقعاً حیرت می‌کنم.»	ایرانی آگاه و متعهد که نسبت به نشانه‌های زبانی حساس است	فاعل گفتمانی
«هرگز نیابستی از روی محصولات ما زبان فارسی برداشته بشود.»	تلاش برای تثبیت زبان فارسی به عنوان نشانه‌ی حاکمیت فرهنگی در فضای عمومی و اقتصادی	منطق هژمونیک
«اسم‌های فرنگی روی محصولات تولید شده داخل ایران... چه داعی داریم؟»	پاسازی اقتدار فرهنگی از رهگذر حفظ نشانه‌های زبانی در عرصه تولید و مصرف داخلی	هدف گفتمان

زبان فارسی به عنوان زبان علم: زبان فارسی تنها زمانی تبدیل به یکی از زبان‌های علمی می‌شود که فارسی زبانان تولید کننده علم

و نه مصرف کننده یا صرفاً تحصیل کننده علم تولیدی دیگران باشند و زبانی که صحبت کنندگان آن **تولید کننده علم** باشند به

به‌طور طبیعی به **تولید کننده علم** زبان مجهز خواهند شد بی‌آنکه نیازمند دستور یا تجویزی باشد. یک زبان در راه هرچه بهتر علمی

شدن فقط نیازمند هدایت است و نه کنترل (کافی، ۱۳۷۲). حق شناس (۱۳۸۴: ۲۶) براین باور است که گسترش کاربرد گونه علمی

زبان فارسی در توسعه علمی ناگزیر است. منصوری (۱۳۷۴: ۱۶) معتقد است که گسترش گونه علمی زبان را جزئی جدایی‌ناپذیر از

پیشرفت علمی ملت‌ها می‌داند. این دیدگاه منطبق بر نظریات هلبیدی است که هر نظریه علمی را متشکل از دو بخش می‌داند:

اصطلاحات که در واقع **ساختار دانش** هستند، و گفتمان که برای استدلال در نظرپردازی به کار می‌آید. **در کل، مناهیم که به**

باور اصطلاح‌شناسان واحد دانش، واحد تفکر و واحد شناخت هستند، و باز نمود زبانی آنها، یعنی اصطلاحات، و ساختار زبان آن

حوزه او دانش، که وظیفه بیان و شرح و بسط آن نظر را عهده‌دار است، شالوده یک نظریه علمی را شکل می‌دهند. (هلبیدی، ۲۰۰۴: ۴۴)

اما با توجه به ویژگی‌های زبانی زبان فارسی، اندیشه غالب در مجامع علمی، به‌ویژه در حوزه‌های پزشکی، علوم پایه و فنی و

مهندسی، این است که منابع و مطالب علمی باید به زبان خاص علم و تمدن غرب ارائه شوند. مقام معظم رهبری در دیدار با استادان

Formatted: Highlight

دانشگاه‌ها در ۱۵ مرداد ۱۳۹۲، یکی از راه‌های گسترش و حفظ زبان فارسی را در نظر گرفتن آن به‌عنوان زبان علم مطرح کردند. در جدول شماره ۴، به تحلیل گفتمان سخنان ایشان با توجه به نظریه لاکلا و موفه خواهیم پرداخت.

جدول شماره ۴

مؤلفه گفتمانی	توصیف و مصادیق	شواهد از متن
دال مرکزی	زبان فارسی به‌عنوان زبان علمی و معرفتی	«زبان فارسی این‌قدر ظرفیت و گنجایش دارد که دقیق‌ترین علوم می‌توانند با این زبان بیان شوند.»
زنجیره هم‌ارزی	زبان فارسی ↔ ظرفیت علمی ↔ استقلال معرفتی ↔ اقتدار ملی ↔ خودباوری علمی ↔ مقاومت فرهنگی	«ما زبان پرتزفیتی داریم... باید زبان علمی کشور ما فارسی باشد.»
زنجیره تفاوت	زبان انگلیسی ↔ وابستگی علمی ↔ سلطه معرفتی غرب ↔ خودکم‌بینی زبانی	«این افتخاری نیست که بگوییم زبان علمی کشور ما فلان زبان خارجی است.»
دیگری گفتمانی	گفتمان سلطه علمی غرب؛ باور به انحصار زبان انگلیسی	«بعضی کشورها نگذاشتند زبان انگلیسی تبدیل شود به زبان علمی آنها.»
منطق هم‌ارزی	همبستگی میان زبان فارسی، علم و استقلال فرهنگی	«مثل فرانسه و آلمان زبان خودشان را به‌عنوان زبان علمی حفظ کردند.»
منطق تفاوت	پذیرش علم جهانی همراه با تأکید بر بومی‌سازی زبانی	«زبان فارسی این‌قدر ظرفیت دارد که علوم ظریف را بیان کند.»
فاعل گفتمانی	دانشمند، استاد و نهاد علمی متعهد به زبان بومی	«ما زبان پرتزفیتی داریم...»
منطق هم‌ارزی	تلاش برای هژمونیک کردن گفتمان "علم بومی در زبان فارسی"	«این افتخار نیست که زبان علمی ما خارجی باشد.»
هدف گفتمان	بازتعریف رابطه علم و زبان بر پایه استقلال فرهنگی و خودباوری علمی	«کشورهای اروپایی زبان خود را زبان علم نگه داشتند.»
دال مرکزی	مرجعیت علمی ایران و زبان فارسی	«هر دانشمندی اگر بخواهد به آخرین فرآورده‌های علمی دست پیدا کند، ناچار باشد زبان فارسی را یاد بگیرد.»

Formatted: Font: 10 pt, Bold, Complex Script Font: 10 pt, Bold

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted Table

Formatted

Formatted

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

Formatted

مؤلفه گفتمانی	توصیف و مصادیق	شواهد از متن
زنجیره‌ی هم‌ارزی	زبان فارسی ↔ علم ↔ اقتدار ملی ↔ استقلال معرفتی ↔ خودباوری تمدنی	«شما کاری کنید که کشور در آینده چنین وضعی پیدا کند.»
زنجیره‌ی تفاوت	زبان‌های غربی ↔ سلطه معرفتی ↔ تبعیت علمی ↔ خودکم‌بینی زبانی	«همچنان‌که امروز شما مجبورید زبان دیگری را یاد بگیرید تا کتاب مرجع را بخوانید.»
دیگری گفتمانی	گفتمان سلطه علمی غرب؛ انحصار زبان انگلیسی در تولید علم	«امروز شما مجبورید فلان زبان را یاد بگیرید تا کتاب مرجع را پیدا کنید.»
فاعل گفتمانی	دانشمند ایرانی مولد علم به زبان فارسی	«شما کاری کنید که کشور چنین وضعی پیدا کند..»
منطق هم‌ارزی	علم = زبان فارسی = استقلال معرفتی = اقتدار تمدنی	«ناچار باشند زبان فارسی را یاد بگیرند.»
منطق تفاوت	تقابل با نظم علمی غرب‌محور	«همچنان‌که امروز شما مجبورید زبان بیگانه را بیاموزید.»
منطق هژمونیک	تلاش برای جابه‌جایی مرکزیت علم از غرب به ایران و فارسی	«کشور باید مرجع علمی و فناوری جهان شود.»
هدف گفتمان	ایجاد هژمونی معرفتی جدید با محوریت زبان و فرهنگ ایرانی	«تا دیگران مجبور شوند کتاب شما را ترجمه کنند یا زبان شما را یاد بگیرند.»

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted Table

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

دال مرکزی	محیط علمی ایران و زبان فارسی	هر دانشمندی اگر بخواهد به آخرین فرآورده‌های علمی دست پیدا کند، ناچار باشد زبان فارسی را یاد بگیرد.»
زنجیره‌ی هم‌ارزی	زبان فارسی ↔ علم ↔ اقتدار ملی ↔ استقلال معرفتی ↔ خودباوری تمدنی	«شما کاری کنید که کشور در آینده چنین وضعی پیدا کند.»
زنجیره‌ی تفاوت	زبان‌های غربی ↔ سلطه معرفتی ↔ تبعیت علمی ↔ خودکم‌بینی زبانی	«همچنان‌که امروز شما مجبورید زبان دیگری را یاد بگیرید تا کتاب مرجع را بخوانید.»

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

گفتنیان مطالعه علمی غرب: انحصار زبان انگلیسی در تولید علم	امروز شما مجبورید فلان زبان را یاد بگیرید تا کتاب مرجع را پیدا کنید.	دیگری گفتنیان
فصلنامه ایرانی مولد علم به زبان فارسی	شما کاری کنید که کشور چنین وضعی پیدا کند.	فصلنامه
علم زبان فارسی استقلال معرفی اقتدار تمدنی	ما چار با هند زبان فارسی را یاد بگیرند.	مطلب هم‌ارزی
تقابل با نظم علمی غرب محور	همچنان که امروز شما مجبورید زبان بیگانه را بیاموزید.	مطلب تفاوت
تداف برای جابه‌جایی مرکزیت علم از غرب به ایران و فارسی	کشور باید مرجع علمی و فناوری جهان شود.	مطلب هژمونیک
ایجاد هژمونی معرفی جدید با محوریت زبان و فرهنگ ایرانی	ما دیگران مجبور شوند کتاب شما را ترجمه کنند یا زبان شما را یاد بگیرند.	هدف گفتنیان

مجموعه ادبیات و زبان فارسی: زبان فارسی یکی از غنی‌ترین ادبیات‌ها را در بین زبان‌های زنده جهان دارد. (آبربی، ۱۹۵۳: ۲۰۰) بر این باور است که ادبیات فارسی یکی از عظیم‌ترین ادبیات‌های بشریت است. این غنای هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی بسیار قابل توجه است. از نظر کمی حجم متون ادبی تولید شده به زبان فارسی، به نسبت هم‌تایان آن بسیار بالاست (ریپکا، ۱۹۶۸) با توجه به مضامین و مفاهیم عمیق ادبیات فارسی، بسیاری از علاقه‌مندان در سرتاسر جهان به خواندن و درک این ادبیات تشویق و ترغیب می‌شوند. مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای گروه ادبیات و هنر صدای جمهوری اسلامی ایران در ۵ اسفند ۱۳۷۰، با اشاره به جایگاه ادبیات فارسی در خارج از مرزهای ایران، یکی از راهکاری حفظ و گسترش زبان فارسی را توسعه ادبیات فارسی عنوان کردند. در جدول شماره ۵، به تحلیل گفتمان سخنان ایشان با توجه به نظریه لاکلا و موفه خواهیم پرداخت.

جدول شماره ۵

شواهد از متن	توصیف و مصادیق	مؤلفه گفتمانی
«ادبیات فقط یک سرگرمی نیست... بلکه یک چیز ضروری است.»	ادبیات به مثابه ابزار هویت و مقاومت فرهنگی	دال مرکزی

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

Formatted: Highlight

Formatted: Indent: Before: 0.19", First line: 0"

Commented [H43R42]: اصلاح شد

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Font: 10 pt, Complex Script Font: 10 pt

شواهد از متن	توصیف و مصادیق	مؤلفه گفتمانی
«ما امروز مایلیم که آن ملت‌هایی که با فرهنگ ایرانی آشنا بودند، این ارتباط محفوظ بماند.»	ادبیات فارسی ↔ فرهنگ ایرانی ↔ هویت تمدنی ↔ مقاومت در برابر استعمار ↔ پیوند فرهنگی ملت‌ها	زنجیره‌ی هم‌ارزی
«کمپانی هند شرقی تلاش کرد تا زبان فارسی را کنار بزند.»	استعمار ↔ زبان انگلیسی ↔ فراموشی فرهنگی ↔ انقطاع تمدنی	زنجیره‌ی تفاوت
«یکی از نخستین تلاش‌هایش این بود که زبان فارسی را کنار بزند.»	استعمار انگلیسی و گفتمان فرهنگی غربی	دیگری گفتمانی
«این را شما باید در محیط‌های ادبیاتی اثبات کنید.»	ادیبان و نخبگان فرهنگی؛ ملت‌های فارسی‌زبان	فاعل گفتمانی
«این نقش ادبیات است که بسیار حائز اهمیت است.»	ادبیات = حافظه تاریخی = مقاومت فرهنگی	منطق هم‌ارزی
«ادبیات فقط یک امر تشریفاتی نیست.»	تقابل با گفتمان تشریفاتی‌سازی ادبیات	منطق تفاوت
«ما می‌خواهیم این را برگردانیم.»	احیای هژمونی فرهنگی زبان و ادبیات فارسی در برابر سلطه‌ی استعمار	منطق هژمونیک
«ما گلستان سعدی و دیوان حافظ را می‌فرستیم... آنها هم استقبال می‌کنند.»	بازسازی اقتدار فرهنگی ایران از طریق ادبیات فارسی	هدف گفتمان

نتیجه‌گیری

تحلیل گفتمان رهبر معظم انقلاب **«بازگشت به ایران»** نشان می‌دهد که مفهوم «تهاجم فرهنگی» در این گفتمان از یک تهدید صرف به یک غیریت سازنده تبدیل می‌شود، که امکان شکل‌دهی به یک پروژه هویت‌ساز را فراهم می‌آورد. مطابق چارچوب نظری لاکلا و موفه (۱۹۸۵)، هر گفتمان برای تثبیت معنا نیازمند مرزی است که خود را از دیگری متمایز کند. در این گفتمان، «تهاجم فرهنگی» به منزله دیگری گفتمانی عمل می‌کند؛ تهدیدی که **«بازگشت ایرانی»** را از انفعال فرهنگی به کنشگری فعال در حوزه زبان، ادبیات و علم سوق می‌دهد و ضرورت «حفظ و گسترش زبان فارسی» را معنادار می‌سازد.

در این قسمت همسویی یا ناهمسویی با [HS44] Commented
پژوهش‌های پیشین هم اشاره شود

انجام شد: [P45R44] Commented

حلیل گفتمان بیانات رهبر معظم انقلاب دربارهٔ زبان فارسی نشان می‌دهد که مفهوم «تهاجم فرهنگی» در این گفتمان از یک تهدید صرف به یک غیریت سازنده تبدیل می‌شود که امکان شکل‌دهی به یک پروژهٔ هویت‌ساز را فراهم می‌آورد. مطابق چارچوب نظری لاکلا و موفه (۱۹۸۵)، هر گفتمان برای تثبیت معنا نیازمند مرزی است که خود را از «دیگری» متمایز کند. در این گفتمان، «تهاجم فرهنگی» به منزلهٔ دیگری گفتمانی عمل می‌کند؛ تهدیدی که سوژهٔ ایرانی را از انفعال فرهنگی به کنشگری فعال در حوزهٔ زبان، ادبیات و علم سوق می‌دهد و ضرورت «حفظ و گسترش زبان فارسی» را معنادار می‌سازد.

بر این گفتمان زبان فارسی نه فقط ابزار ارتباط بلکه حامل هویت ملی، حافظهٔ تاریخی و عنصر پیونددهندهٔ ملت‌های فارسی‌زبان است. این نگاه یادآور نگاه عاطفی و هویت‌محور برخی اندیشمندان و ادیبان ایرانی قرن‌های گذشته و به‌ویژه میرزا تقی خان فاضل‌نظام (۱۲۱۲-۱۳۱۲) و جاسن‌آل (۱۳۱۲-۱۳۱۲) به زبان فارسی، نگاهی عاطفی داشته‌اند و زبان فارسی را صوت فرهنگی می‌دانند. مهدی‌نژاد رحیم‌زاده (۱۳۱۲)، فروغی، خالقی، محیط طاطایی، شادمان (۱۳۶۰)، وحید زاده، امام‌آشتیانی و آهانی (رایج)، صادقی‌آشتیانی و سمعی را از جمله افرادی دانست که برای زبان هوشیانه‌ای قائل‌اند و به‌گونه‌ای زبان فارسی را معاد هویت ملی می‌دانند (آذاری اردکانی، ۱۳۸۱: ۷).

در مقابل، تهاجم فرهنگی شامل ورود واژه‌های بیگانه، حذف خط فارسی از فضاهای عمومی یا سلب راندهای خارجی در آموزش و علم به عنوان محرکی برای بازسازی هویت فرهنگی و تمدنی تعریف می‌شود. این رویکرد نشان می‌دهد که حفظ زبان فارسی از یک اقدام محافظه‌کارانه به یک پروژهٔ هژمونیک و هویت‌ساز ارتقا می‌یابد. در این زمینه، دیدگاه‌های متفاوتی در مورد واژه‌سازی و واژوری زبانی وجود دارد. از جمله مؤلفان وحید زاده (۱۳۶۱) و امام‌آشتیانی (۱۳۵۰ تا ۱۳۵۲) با واژه‌سازی موافق‌اند. خوشنای (۱۳۵۶ تا ۱۳۶۹) واژه‌سازی را نوعی نوآوری زبانی می‌داند و منتقدان آن محسوب (۱۳۶۶) با واژه‌سازی رسمی چندان موافق نیست. خوانساری (۱۳۵۰) نظر دکتر معین را این‌گونه نقل می‌کند که از تحمیل لغات بر مردم باید جلوگیری کرد و فقط باید مردم را در معرض واژه‌های ساخت‌شده قرار داد (آذاری اردکانی، ۱۳۸۱). تهاجم فرهنگی به‌ویژه به‌واسطهٔ سلب سبک لباس، خط‌های عمومی، یا سلب زبان‌های خارجی، در آموزش و به‌ویژه به‌عنوان سبک زندگی، با سبک زندگی و هویت فرهنگی و تمدنی مرتبط می‌شود. این رویکرد نشان می‌دهد که حفظ زبان فارسی نه یک اقدام محافظه‌کارانه به یک پروژهٔ هژمونیک و هویت‌ساز ارتقا می‌یابد.

این گفتمان، زنجیره‌ای از هم‌ارزی میان مفاهیم کلیدی شکل می‌گیرد:

زبان فارسی ↔ هویت ملی ↔ استقلال فرهنگی ↔ مقاومت در برابر سلطه ↔ خودباوری علمی ↔ مرجعیت تمدنی.

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Complex Script Font: B Lotus, Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Complex Script Font: B Lotus, Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Complex Script Font: B Lotus, Highlight

Formatted: Highlight

این زنجیره، عناصر پراکنده‌ای مانند ادبیات، آموزش، خط، واژگان و تولید علم را به هم پیوند می‌دهد و انسجام گفتمان مقاومت فرهنگی را تضمین می‌کند. بدین ترتیب، زبان فارسی به دال مرکزی گفتمان تبدیل می‌شود و سایر مفاهیم پیرامونی در **ساختار** **هم‌ارزی** معنا پیدا می‌کنند، در حالی که گفتمان‌های غربی و سلطه‌زبانی به عنوان «دیگری» معنا و مرز آن را تثبیت می‌کنند.

ادبیات فارسی نیز در این ساختار نقش محوری دارد؛ نه تنها به عنوان میراث فرهنگی، بلکه به عنوان ابزار بازتولید **ساختار** **جمعی**. پیوند تمدنی و هویت فرهنگی، آثار ادبی کلاسیک، مانند دیوان حافظ و گلستان سعدی، از یک سو زمینه اتصال ملل فارسی‌زبان را فراهم می‌کنند و از سوی دیگر، استعمار زبانی تاریخی را خنثی می‌سازند. این بازتعریف، گفتمان مقاومت فرهنگی را از حالت دفاعی به وضعیت هژمونیک و مولد معنا ارتقا می‌دهد.

همچنین، زبان فارسی در حوزه علم و فناوری، ابزاری برای استقلال معرفتی و خودباوری علمی ارائه می‌دهد. گفتمان رهبر انقلاب نشان می‌دهد که مرجعیت علمی و فناوری ایران، هنگامی پایدار و مشروع خواهد بود که زبان فارسی محور تولید دانش باشد، نه صرفاً ابزار انتقال دانش خارجی. در اینجا، زبان فارسی به یک نماد هژمونیک تبدیل می‌شود که مشروعیت علمی، فرهنگی و تمدنی ملت را بازتولید می‌کند. با این حال، چالش‌هایی نیز در این مسیر وجود دارد؛ از جمله آنکه جامعه فارسی زبان در یکی - چند سده گذشته، چیز تازه‌ای در زمینه اندیشه و دانش و فن پدید نیاورده است تا زبان فارسی هم در پی آن با این زمینه‌ها اخت و آشنا شده باشد(حق شناس: ۱۳۷۰: ۲۰۱).

در نهایت، می‌توان گفت که گفتمان رهبری، با بازتعریف «تهاجم فرهنگی» به عنوان غیریت سازنده، توانسته است «حفظ زبان» را به یک پروژه هویت‌ساز و تمدنی تبدیل کند. این گفتمان، از طریق **توسعه هم‌ارزی** میان زبان، هویت، استقلال، مقاومت و علم، نظامی معنایی می‌سازد که در آن زبان فارسی نه صرفاً میراث گذشته، بلکه محور شکل‌گیری آینده‌ای مستقل، علمی و فرهنگی برای ایران و جهان فارسی‌زبان است. در چارچوب لاکلا و موفه، این لحظه، همان گذر گفتمان از وضعیت دفاعی به وضعیت هژمونیک است؛ جایی که مقاومت فرهنگی و حفظ زبان، نه تنها اقدامی محافظه‌کارانه، بلکه کنشی فعال، مولد و هویت‌ساز محسوب می‌شود.

برون بر این، راهکارها و دستاوردهایی که مقام معظم رهبری در زمینه پاسداری زبان فارسی مطرح کرده‌اند، با دیدگاه‌های زبان‌شناسی و صاحب‌نظران معاصر هم‌راستا است. بسیاری از پژوهشگران و زبان‌دانان بارها هشدار داده‌اند که زبان فارسی در معرض تهدیدهای جدی قرار دارد. دربارهٔ ماهیت این تهدید، دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده است. از جمله ورود بی‌رویه واژگان بیگانه، ترجمه‌های نادرست و گمراه‌کننده، مذاکراتی افراد غیرمتخصص در حوزه زبان، سلطهٔ آثار کهن بر ادبیات معاصر، ضعف عمومی در آموزش زبان فارسی، ناآشنایی نویسندگان با اصول نگارش، گسترش گریزهای زبانی از زبان‌های بیگانه، بی‌ترجمی نظام آموزشی و رسانه‌ها، بی‌اعتبار و کاهش گرایش دانشجویان مستعد به رشته‌های زبان و ادبیات فارسی، عدم و پرورایی زبان فارسی را با چالش‌های اساسی مواجه ساخته و ضرورت سیاست‌گذاری فرهنگی و آموزش آگاهانه در جهت صیانت از این میراث تمدنی را درج‌اندازان مرکز

نادر اردکانی، ۱۴۰۴

Formatted: Highlight

منابع:

Commented [HS46]: مطابق شیوه‌نامه باشد. برای این کار می‌توانید به مقالاتی که پیش از این به چاپ رسیده‌اند مراجعه فرمایید، زیرا الگوی یکسانی را در ارجاع‌دهی رعایت نموده‌اید.

Commented [P47R46]: اصلاح شد

Formatted: Highlight

آشوری، داریوش، (۱۳۸۹). بازاندیشی زبان فارسی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات نشر مرکز. چاپ پنجم.
اسمعیل زاده، مریم. (۱۳۹۳). «نقش شاعران بزرگ زبان فارسی در حفظ و پاسداشت از زبان فارسی به عنوان زبان ملی»، گردهمایی سراسری انجمن ترویج زبان و ادب فارسی ایران. [SID-https://sid.ir/paper/823575/fa](https://sid.ir/paper/823575/fa)

Formatted: Highlight

تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳) گفتمان: پادگفتمان و سیاست، چاپ اول، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه انسانی

Formatted: Highlight

حسینی زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۸۸). «نظریه گفتمان و تحلیل سیاسی»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۲۸، صص ۱۸۱-۲۱۲

Formatted: Highlight

حق شناس، علی محمد (۱۳۷۵). مقالات ادبی، زبان‌شناختی، تهران: نیلوفر.

Formatted: Highlight

حق شناس، علی محمد. (۱۳۸۴). «نقش زبان و ادبیات در پیشرفت‌های علمی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. دوره ۵۶، ش ۱۷۳، صص ۳۶-۴۵.

Formatted: Highlight

خدایار، ابراهیم. (۱۳۹۷). «موانع و راهکارهای گسترش خط زبان و ادب فارسی» در کشورهای حوزه تمدنی مشترک با ایران»، مطالعات ملی، دوره ۱۹، شماره ۱۴، صص ۳۶-۴۱.

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

داوری اردکانی، نگار. (۱۳۸۴). «سازمان‌دهی ایرانی و زبان فارسی: نامه فارسی، سال دوم، شماره ۳، صص ۳۰-۴۷»

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

رضی، احمد، و ضیایی، حسام. (۱۳۸۹). «ویژگی‌ها و مسایل زبانی وب نوشت های فارسی»، نامه فرهنگستان، سال دوم، شماره ۲، صص ۵۳-۶۱. [SID-https://sid.ir/paper/823575/fa](https://sid.ir/paper/823575/fa)

ریاحی، محمدامین، (۱۳۶۹). زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی. تهران: پاژنگ.

Formatted: Font: Not Italic, Complex Script Font: Not Italic, Highlight

سیدان، مریم. (۱۳۹۵). «چند پیشنهاد سیاستی در حوزه فارسی»، مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، دوره ششم، شماره ۲، صص ۲۱۳-۲۲۷

Formatted: Highlight

سلطانی، علی اصغر (۱۳۸۳). «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش»، فصلنامه علوم سیاسی (۴۸)، دوره هفتم، شماره ۲۸، صص ۱۸۰-۱۵۳

Formatted: Highlight

Formatted: Right

سلطانی، علی اصغر (۱۳۹۳)، قدرت، گفتمان و زبان، چاپ چهارم، تهران: انتشارات نشر نی.

صابری زفرقندی، محمداقبر. (۱۴۰۱). «حفظ شان علمی زبان فارسی به عنوان زبان تفکر، فرهنگ و تاریخ». مجله روانپزشکی و

روانشناسی بالینی ایران (اندیشه و رفتار). دوره بیست و هشتم، شماره ۱، صص: ۳۹۲-۳۹۷. doi: 10.22059/jppq.2017.62863

<https://sid.ir/paper/1071287/fa>

صفا، ذبیح الله، (۱۳۷۰). تاریخ ادبیات ایران، ج ۱، مجلد اول، تهران: انتشارات فردوسی.

قاسمی پیربلوطی، محمدامین. (اردیبهشت ۱۴۰۲). «ارزیابی عملکرد قانون ممنوعیت به کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه

(به همراه الزامات تقنینی و ملاحظات سیاستگذاری زبانی در جهت پاسداشت زبان فارسی)». تهران، ایران: مرکز پژوهش های مجلس

شورای اسلامی. <https://sid.ir/paper/1065773/fa>

کافی، علی (۱۳۷۲). مجموعه مقالات سمینار زبان فارسی و زبان علم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

روزنامه خراسان، ۱۳۹۵، ۱۳ شهریور، تهران: نشر روزبه

گنجی، نرگس و اشراقی، فاطمه (۱۳۹۳). «تصویر ایرانیان و ایرانیان در سفرنامه ابن بطوطه». کوششنامه ادبیات تطبیقی، دوره چهارم،

شماره ۱۵، صص: ۱۵۰-۱۵۳

مجیدی، محمد رضا و دهقانیاں فراشاه، محمد حسین . (۱۳۹۶). «راه ابریشم و ایران فرهنگی؛ مؤلفه هایی برای همگرایی منطقه ای

در غرب آسیا». فصلنامه سیاست دوره چهل و هشتم، شماره ۳، صص: ۷۶۱-۷۶۳. doi: 10.22059/jppq.2017.62863

مسعودی پور، سعید . (۱۳۹۹). «بررسی جایگاه زبان فارسی در نام های تجاری محصولات ایرانی تبلیغ شده در رسانه ملی»، اندیشه

مدیریت راهبردی دوره چهاردهم، شماره ۳، صص: ۶۱۴-۶۱۵. doi: 10.30497/smt.2021.239601.3125

مقدمی، محمد تفی (۱۳۹۰)، «نظریه تحلیل گفتمان لاکلا و موفه و نقد آن»، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، سال دوم، شماره دوم،

۹۱-۱۲۴

منصوری، رضا (۱۳۷۴). «چرا و چگونه زبان فارسی باید زبان علمی ما باشد؟». نشر دانش، شماره ۹۸، صص: ۱۲-۲۵. doi: 10.22059/jppq.2017.62863

ناتل خانلری، پرویز، (۱۳۹۵)، تاریخ زبان فارسی، جلد ۷، چاپ دهم، تهران: فرهنگ نشر نو.

نش، کیت (۱۳۸۰)، جامعه شناسی سیاسی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر

یورگنسن، ماریان؛ فیلیپس، لوئیز (۱۳۹۵). نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی. چاپ هفتم. تهران: نشر نی.

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Font: 12 pt, Complex Script Font: B Lotus, 12 pt, Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Font: Not Italic, Complex Script Font: Not Italic, Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Font: Not Italic, Complex Script Font: Not Italic

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

Formatted: Highlight

يورغنسن ، ماريان و فيليبس ، لويز (٢٠١٩). «تحليل الخطاب : النظرية و المنهج . ترجمة شوقي بوعناني. الطبعة الأولى». المنامة:
هيئة التحرير للثقافة و الآثار.

Arberry, Arthur Hohn (1953). The legacy of Persia. Oxford: Clarendon Press.

Charbonnier, G. (1961). Entretiens avec Claude Lévi-Strauss. Paris: Agora. (2015) .
Comprehensive Annual Report on Public Diplomacy and International Broadcasting

Halliday, M. A. K. (2004). The Language of Science. London/New York: Continuum.

Jacobs, T. (2018). The dislocated universe of Laclau and Mouffe: an introduction to post-
structuralist discourse theory. *Critical Review*, 30(3-4), 294-315.

Jørgensen, Marianne and Louise Phillips (2002) Discourse Analysis as Theory and Method, SAGE
Publications, London, Thousand Oaks New Delhi, First Published.

Laclau, Ernesto. 2005. On Populist Reason. London: Verso

Laclau, Ernesto & Mouffe, Chantal (2002) Antonio Gramsci, Critical Assessment of leading
Political Philosophers, London: Routledge.

Laclau, Ernesto (1994) The Making of Political Identities, London: Verso.

Laclau, E. & Mouffe, CH. (1985) Hegemony and Socialist Strategy, London: verso.

Laclau, E (1993) Power and Representation. In m. poster (ed). Politics, theory and contemporary
culture. New York: Columbia university press.

Rypka, J. (1968). History of Iranian Literature. Dordrecht: D. Reidel.

Skjærve, Prods Oktor (2002). An Introduction to Old Persian. Harvard: Harvard university.

Formatted: Font: (Default) +Headings CS (Times New Roman), Complex Script Font: +Headings CS (Times New Roman)

Formatted: Justified

Formatted: Font: (Default) +Headings CS (Times New Roman), Complex Script Font: +Headings CS (Times New Roman)

Formatted: Font: (Default) +Headings CS (Times New Roman), Complex Script Font: +Headings CS (Times New Roman)

Formatted: Justified

Formatted: Font: (Default) +Headings CS (Times New Roman), Complex Script Font: +Headings CS (Times New Roman)

Formatted: Font: (Default) +Headings CS (Times New Roman), Complex Script Font: +Headings CS (Times New Roman)

Formatted: Font: (Default) +Headings CS (Times New Roman), Complex Script Font: +Headings CS (Times New Roman)

Formatted: Justified

Formatted: Font: (Default) +Headings CS (Times New Roman), Complex Script Font: +Headings CS (Times New Roman)

Formatted: Font: (Default) +Headings CS (Times New Roman), Complex Script Font: +Headings CS (Times New Roman)

Formatted: Font: (Default) +Headings CS (Times New Roman), Complex Script Font: +Headings CS (Times New Roman)

Formatted: Font: (Default) +Headings CS (Times New Roman), Complex Script Font: +Headings CS (Times New Roman)

Formatted: Font: (Default) +Headings CS (Times New Roman), Complex Script Font: +Headings CS (Times New Roman)

Formatted: Font: (Default) +Headings CS (Times New Roman), Complex Script Font: +Headings CS (Times New Roman)

Formatted: Justified